

پلنگ سیاه دربار عامل درجه یک کودتای ۲۸ مرداد

۳۰ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۴۸

روزگاری به اشرف «اردک سیاه رضاشاه» می‌گفتند. اما بعدها یکی از روزنامه‌نویسان فرانسوی به او لقب «پلنگ سیاه» داده بود. لقبی که اشرف از شنیدنش خرسند شد.

اشرف پهلوی در چهارم آبان ۱۲۹۸ در بیمارستان احمدیه تهران همراه برادر دوقلویش محمدرضا متولد شد.

سن اشرف چند ساعت کوچکتر از محمدرضا پهلوی بود. مادرش تاج‌الملوک دولتشاهی - دختر تیمور خان آیرملو از فرماندهان تیپ قزاق - یکی از چهار همسر رضاخان پهلوی بود.

اشرف و محمدرضا دو سال بعد از تولد شمس به دنیا آمدند و این سه نفر به همراه علیرضا پهلوی، فرزندان تاج‌الملوک را تشکیل می‌دادند.

اشرف در مدرسه زرتشتی‌ها تحصیل کرد. اما تحصیلات دانشگاهی نداشت. او زبان فرانسه را توسط مادام ارفع در خانه خواند و با مطالعه رمان‌هایی به زبان فرانسه به داستان‌های عاشقانه فرانسوی علاقه‌مند شد.

اشرف پهلوی در دوران نوجوانی و بلوغ با مهرپور تیمورتاش فرزند وزیر دربار رضاخان روابطی داشت اما پس از آن که تیمورتاش به اتهام جاسوسی برای شوروی مطرود رضاخان شد، این رابطه محدود و کم‌رنگ شد.

اشرف در ۱۳۱۷ به اصرار پدر و علیرغم میل باطنی‌اش با علی قوام پسر ابراهیم قوام - قوام‌الملک - ازدواج کرد. ولی این وصلت هرگز باب میل و رغبت اشرف نبود و به همین دلیل تنها تا زمان حضور رضاشاه در کشور دوام یافت و پس از تبعید وی، اشرف بلافاصله از همسرش جدا شد.

در بهمن ۱۳۲۰ که فوزیه همسر اول شاه به حالت قهر عازم مصر شد، اشرف به درخواست برادرش با فوزیه همسفر شد. اما سفر اشرف به مصر و مشاهده میهمانی‌ها، باشگاه‌های شبانه، مجالس رقص و مشروب‌خواری و معاشرت‌ها و معاشقه‌های درباریان مصری، وی را بیشتر از گذشته، بی‌قید و بند ساخت.

اشرف در سفر به مصر عاشق فردی به نام احمد شفیق شد و او را با خود به تهران آورد و در اسفند ۱۳۲۲ رسماً با وی ازدواج کرد. به دنبال این ازدواج، شفیق به اصرار اشرف از ملیت مصری خود دست کشید و ملیت ایرانی پذیرفت. اما این ازدواج نیز تنها هفت سال دوام آورد.

او در ۶ اردیبهشت ۱۳۲۶ به ریاست سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی که پایگاهی برای جمع‌آوری پول و ثروت بود منصوب شد.

او تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با تشکیل جلسات متعدد به شاه امر و نهی می‌کرد. شاه هم که در مقابل خواهر خود کم‌رو و بی‌دست و پا بود، به مدت یک دهه تسلیم اکثر خواسته‌های او بود.

مشاوران و دستیاران اشرف در تصمیم‌گیری‌ها، افرادی چون علی سهیلی، عبدالحسین هژیر و سپهبد علی رزم‌آرا بودند. این عده تسلیم و مطیع محض اشرف بودند.

در طول بیش از ۱۰ سال اشرف مرکز ثقل و کانون قدرت و منشاء تأثیرگذاری بر تصمیمات شاه بود و همه مقامهای مهم سیاسی حتی وزیران و سفیران با نظر او تعیین و تأیید می‌شدند.

سازمان «سیا» در بخشی از گزارش خود راجع به شخصیت اشرف می‌نویسد: اشرف خواهر دوقلوی شاه یکی از جاه‌طلب‌ترین و مهم‌ترین حامیان شاه و مهم‌ترین یاران او در طول سال‌های مدید سلطنتش بوده است... این خصوصیات، به خصوص در دوره‌ای که ضعف شاه مهم‌ترین مشخصه وی بود، نمایان می‌شد.

به همین علت سفارت آمریکا در سال ۱۹۵۱ گفته بود: که اشرف عزم راسخ بیرحمانه پدرش را دارد. اشرف پهلوی در دهه ۱۳۲۰، به نوعی زمامدار پشت صحنه و حافظ شیرازه حکومت محمدرضا پهلوی بود. او در سیاست، اقتصاد، فرهنگ و حتی امور اجتماعی جامعه ایران دخالت داشت.

تأسیس نمایشگاه‌های مد بانوان، فراخواندن مانکن‌ها به ایران، راه‌اندازی قمارخانه‌ها و کازینوهای سلطنتی بابلسر و رامسر، احضار پزشکان برجسته اروپائی برای جراحی‌های پلاستیکی به روی چهره خانم‌های مورد نظر دربار از جمله اقدامات اشرف در سالهای دهه ۱۳۲۰ بود.

در این مدت اشرف به روزنامه‌نگاران، شاعران و روشنفکران نزدیک شد و با آنان جلسات و مجالس مشترک هفتگی ترتیب داد.

اما در دوران قدرت گرفتن مصدق، تبعید اشرف به اروپا به دستور مصدق و قطع ارز مورد نیاز وی، لطمه بزرگی برای او بود. اشرف برای اولین بار مجبور شد تا برای تأمین مخارج روزمره مایملک خود را بفروشد.

او تنها از محل فروش لباس‌ها و عتیقه‌جات همراه خود ۳۰ میلیون فرانک به دست آورد. علاوه بر این مبالغ هنگفتی نیز ارز از تجار ایرانی مقیم فرانسه قرض گرفت، اما هرگز به آنان باز نگردانید.

زندگی اشرف در فرانسه با آلودگی‌های اخلاقی فراوانی همراه شد. او در رستوانی در پاریس با جوانی به نام مهدی بوشهری آشنا شد. بلافاصله از احمد شفیق جدا شد و به عقد بوشهری درآمد.

این در حالی بود که از شفیق دو فرزند و از علی قوام یک فرزند داشت.

اشرف اواخر ۱۳۳۲ به ایران بازگشت و فعالیت‌های قبلی‌اش را از سر گرفت. گردآوری ثروت از راه‌های نامشروع، پورسانت‌گیری، زد و بند با شرکتهای خارجی و سوء استفاده‌های گسترده مالی، تشکیل محافل شبانه و روابط گسترده نامشروع از اقدامات عادی اشرف پس از بازگشت به تهران بود.

حسین فردوست در بیان خاطراتش از مردان بسیاری به عنوان معشوقه‌های اشرف پهلوی نام می‌برد که حتی بعضی از آنها مانند پالانچیان به علت عدم تمکین در برابر وی به قتل رسیده‌اند.

اشرف از سال ۱۳۳۵ وارد شبکه داد و ستد مواد مخدر شد و از این معاملات میلیاردها دلار ثروت اندوخت و پیگیری بسیاری از محموله‌های مرفین، تریاک و هروئین در کشور به اشرف و افراد وابسته به وی می‌رسید.

در دو دهه آخر عمر سیاسی حکومت پهلوی، اشرف یکی از مهمترین وزنه‌های اقتدار آمریکا در ایران شد. او که در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خود با شبکه مأمورین «سیا» در ایران همکاری کرد، توانست به تدریج روابط خود را با «سیا» و رجال و سیاستمداران آمریکائی تقویت کند. سفرهای متعدد اشرف به آمریکا در طول دهه چهل سبب تحکیم روابط تهران واشنگتن شد.

اشرف در ۱۳۴۸ به دلیل حمل یک چمدان حاوی تریاک در فرودگاه زوریخ بازداشت شد اما پلیس سوئیس پس از بررسی گذرنامه سیاسی او و با توجه به نسبتش با محمدرضا پهلوی او را آزاد کرد. با این حال در اسفند همین سال وی به ریاست کمیته ایرانی حقوق بشر نیز منصوب شد.

اشرف علاوه بر این سمت نایب رئیس کمیته ملی پیکار با بیسوادی، رئیس سازمان زنان ایران و نایب رئیس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی نیز بود.



اشرف در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر اموال گرانبها، تابلوها، فرشها و اندوخته‌های خود را از ایران خارج کرد و به منزل مسکونی‌اش در نیویورک و ویلایش در نیس فرانسه برد. هنگام پیروزی انقلاب اسلامی، وی صدها میلیون دلار در حسابهای بانکی در نیویورک، لندن، پاریس و سوئیس داشت. اشرف اکنون در امریکا زندگی می‌کند و حافظه خود را نیز از دست داده است.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/27873/سپاه-پلنگ-28-مرداد-28-کودتای-یک-درجه-عام-دربار-سپاه-پلنگ/27873>